

تحلیل چگونگی ارتباط بانکداری اسلامی با بخش

حقیقی اقتصاد

محمد نقی نظریور*

میترا علیا**

چکیده

در حالی که ارتباط بانکداری ربوی با بخش حقیقی اقتصاد ضروری نیست و به اصطلاح لا بشرط است، یعنی می‌تواند با بخش حقیقی اقتصاد ارتباط داشته و یا نداشته باشد، در بانکداری اسلامی ارتباط با بخش حقیقی اقتصاد ضروری و به اصطلاح به شرط شیء است. بر این اساس، تجهیز و تخصیص منابع در بانکداری ربوی در صورتی که تضمین و اطمینانی برای برگشت اصل و فرع منابع در قالب قرارداد قرض ربوی وجود داشته باشد، برای سپرده‌گذار و بانک جای نگرانی نیست. البته این هرگز بدان معنی نیست که بانکداری ربوی با بخش حقیقی اقتصاد اصلاً ارتباطی ندارد. زیرا بی‌تردید بخشی از رشد و پیشرفت اقتصادی دنیای غرب مدیون نظام بانکی است. بنابراین، بررسی و تبیین نظری چگونگی ارتباط نظام بانکداری ربوی و اسلامی برای شناخت بیشتر این دو نظام در عرصه تجهیز و تخصیص منابع و اثراتی که می‌توانند بر رشد و پیشرفت و ثبات بیشتر اقتصادی و کنترل نوسانات اقتصادی در هر جامعه‌ای داشته باشند، دارای اهمیت ویژه‌ای است.

پژوهش حاضر با به کارگیری روش توصیفی و تحلیل محتوی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، به بررسی این فرضیه می‌پردازد که بانکداری اسلامی در بخش تجهیز و تخصیص منابع با بخش حقیقی اقتصاد ارتباط دارد. نتایج تحقیق حاکی از این است که تمامی عقود شرعی مورد استفاده در تجهیز و تخصیص منابع بانکی به‌طور مستقیم و یا غیر مستقیم با بخش حقیقی اقتصاد پیوند داشته و چنانچه به‌درستی اجرا شوند، به رشد، پیشرفت و ثبات بیشتر در بخش‌های مختلف اقتصادی منجر خواهند شد.

واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی، عقود مبادله‌ای، عقود مشارکتی، بخش حقیقی اقتصاد

طبقه‌بندی JEL: G01, G32, G19

* دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه مفید.....Email: nazarpur@mofidu.ac.ir

** دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه مفید.....Email: mitra_olia@yahoo.com

مقدمه

بحران های اقتصادی در سال های اخیر و ثبات بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری ربوی توجه بسیاری کشورها از جمله کشورهای غربی را معطوف به این شیوه بانکداری نموده است. اخیراً تلاش های بسیاری برای تبیین و شناسایی عملکرد بانکداری اسلامی صورت گرفته است و بعضاً کشورهای غربی با رغبت بیشتری جهت شناسایی سازوکار حاکم بر این نظام بانکی به پژوهش و تحقیق پرداخته اند. به هر حال، در کشور ما از ابتدای شکل گیری جمهوری اسلامی تلاش های بسیاری جهت تغییر نظام بانکداری ربوی حاکم به نظام بانکداری اسلامی با به کارگیری عقود شرعی صورت پذیرفته است و هم اکنون نیز روز به روز شاهد پیشرفت و به کارگیری هرچه بیشتر عقود اسلامی جهت تخصیص منابع تجهیز شده و برقراری پیوندهای عمیق تر با بخش حقیقی اقتصاد می باشیم.

در پژوهش حاضر به دنبال شناسایی و تبیین پیوند عقود شرعی به کار گرفته شده در تجهیز و علی الخصوص تخصیص منابع در بانکداری بدون ربا در ایران (به عنوان مصداقی از بانکداری اسلامی) با بخش حقیقی اقتصاد می باشیم. این پژوهش با به کارگیری روش توصیفی و تحلیل محتوا و با استفاده از منابع کتابخانه ای و اینترنتی به بررسی این فرضیه می پردازد که بانکداری اسلامی در بخش تجهیز و تخصیص منابع با بخش حقیقی اقتصاد ارتباط دارد.

در تحقیق پیش رو پس از بیان پیشینه تحقیق ابتدا به طور مختصر مقصود از بخش حقیقی اقتصاد را تبیین نموده و سپس چگونگی تعامل بانکداری ربوی و بانکداری اسلامی با بخش حقیقی اقتصاد را بررسی می نماییم. در گام بعد، شیوه های تجهیز و تخصیص منابع در بانکداری اسلامی را تشریح و به چگونگی ارتباط آن با بخش حقیقی اقتصاد می پردازیم. پس از آن ارتباط عقود مبادله ای و مشارکتی را با بخش حقیقی اقتصاد به نحو مبسوط مورد بررسی قرار داده و در نهایت به جمع بندی و نتیجه گیری مباحث طرح شده خواهیم پرداخت.

۱. پیشینه تحقیق

جستجو و بررسی مقالات و منابع متعدد داخلی و خارجی حکایت از آن دارد که تاکنون مستقلاً توجه چندانی به موضوع پژوهش حاضر نشده است. گرچه به صورت بسیار پراکنده در برخی مقالات و کتاب هایی که به نحوی با موضوعات بحران اقتصادی و بانکداری اسلامی پیوند خورده اند، می توان ردپایی از موضوع مورد نظر را یافت که به برخی از آنها اشاره می شود.

۲-۱. مطالعات داخلی

نظریور، رضایی و خزایی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر بحران اقتصادی جهان بر بانکداری اسلامی» با روش توصیفی و تحلیل محتوا، به بررسی تأثیر بحران مالی اخیر بر دو سیستم بانکداری اسلامی و بانکداری ربوی پرداخته و بیان می‌دارند که بانکداری اسلامی توانسته است در طول بحران ضمن حفظ ثبات، شاهد رشد دارایی‌های خود نیز باشد که مهمترین دلایل این مساله را ممنوعیت انجام معامله‌های ربوی، تأکید بر قراردادهای واقعی، توزیع ریسک سرمایه‌گذاری، برقراری ارتباط میان عرضه پول و بخش واقعی اقتصاد، انعطاف‌پذیری هزینه‌های جذب سرمایه و محدودیت فعالیت‌های سفته‌بازی می‌دانند.

موسویان (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای با عنوان «بانکداری اسلامی؛ ثبات بیشتر، کارایی بالاتر»، با روش تحلیلی و توصیفی به تشریح این مساله می‌پردازد که علت اصلی ثبات بیشتر بانکداری اسلامی در مقابل بحران مالی جهانی در مقایسه با بانکداری متعارف، تفاوت ماهوی این دو نظام است. به‌طوری‌که در بانکداری متعارف، بهره به‌طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد و نیز به‌صورت برونزا و مستقل از اقتصاد واقعی تعیین می‌گردد، در صورتی که در نظام بانکداری اسلامی عقود اسلامی به کار گرفته می‌شود و به‌جای نرخ بهره نیز از نرخ سود برگرفته از اقتصاد واقعی استفاده می‌گردد.

فراهانی‌فرد، نظریور و بایی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه تطبیقی کارایی بانک‌های اسلامی و غیراسلامی (مطالعه موردی بحران ۲۰۰۹-۲۰۰۷)»، با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها DEA (مدل CCR)^۱ به دنبال اثبات این فرضیه است که کارایی نظام بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری ربوی در برابر بحران مالی (۲۰۰۷-۲۰۰۹) بیشتر است. و سپس با برآورد کارایی ۱۰۰ بانک در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹ با استفاده از مدل CCR که از این تعداد ۵۰ بانک اسلامی و ۵۰ بانک غیراسلامی (خاورمیانه) بوده است، نشان می‌دهند بانک‌های اسلامی در مقایسه با بانک‌های غیراسلامی طی سال‌های بحران مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۹ کارایی بیشتری داشته‌اند.

داوودی و عیسوی (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان «بحران اقتصادی و راه‌حل‌های اقتصاد اسلامی»، معتقدند که نظام اقتصادی سرمایه‌داری به گواه تاریخ، همیشه درگیر بحران بوده است. بررسی بحران‌ها یی همچون بحران ۱۹۲۹ آمریکا و بحران ۲۰۰۸ این کشور گویای آن است که این نظام ذاتاً بحران‌زاست. افرادی همچون کینز در تحلیل خود ریشه اصلی این مساله را ماهیت این نظام می‌دانند که مبتنی بر وجود بازار پول و پذیرش بهره در آن بازار است. اما راه‌حلی که امثال کینز ارائه می‌دهند معمولاً کوتاه‌مدت است و از طریق تجویز دخالت دولت در مکانیزم بازار در صدد

1. Data envelopment analysis
2. Correlated Component Regression

رفع مشکل هستند. این چنین راه‌حلهایی گرچه درمان موقت بوده‌اند، اما نتوانسته‌اند مشکل بحران های اقتصادی را به‌طور ریشه‌ای حل کنند. اسلام از اساس با تحریم ربا، ریشه این‌گونه بحران های اقتصادی را خشکانده است، لذا به‌نظر می‌آید که نظام مالی و اقتصادی اسلام از این بعد نسبت به نظام سرمایه‌داری از کارایی بیشتری برخوردار است و برآن برتری دارد.

با توجه به مطالعات فوق می‌توان بیان داشت، برقراری رابطه بخش پولی و حقیقی اقتصاد از علل ثبات ذاتی نظام بانکداری اسلامی است. ظهور این ثبات را می‌توان در جریان بحران مالی اخیر که منجر به ورشکستگی گسترده بانک‌های ربوی آمریکا و کشورهایی که از این شیوه تبعیت می‌نمودند، ملاحظه کرد، زیرا که، طی این بحران، بانک‌های اسلامی با توجه به اینکه از عقود مختلف که در تعامل با بخش حقیقی اقتصاد می‌باشند استفاده می‌نمایند، کیفیت دارایی‌های بهتری داشته و توانسته‌اند ثبات خود را حفظ کنند.

۲-۲. مطالعات خارجی

رُمن، عبد وهاب و زینل^۱ (۲۰۱۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان «کارایی بانک‌های اسلامی در طی بحران مالی: تجزیه و تحلیل خاورمیانه و کشورهای آسیایی» با استفاده از تجزیه و تحلیل پوششی داده‌ها و اتخاذ روش واسطه‌گری^۲ کارایی بانک‌های اسلامی را اندازه گرفته و به این مساله می‌پردازند که جهان اقتصاد هنوز از پیامدهای بحران مالی اخیر که سبب ورشکستگی چندین بانک شد، رنج می‌برد. همین مساله سبب ترغیب اقتصاددانان سراسر جهان برای جستجوی راه‌حل جایگزین گردید که در نهایت توجه‌ها را به سمت بانکداری اسلامی جلب کرد. این مقاله سطح کارایی بانک‌های اسلامی را در طی بحران مالی، در خاورمیانه و کشورهای آسیایی (در مجموع ۷۹ بانک اسلامی) از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ اندازه‌گیری نموده و یافته‌های مقاله نشان می‌دهد، بانکداری اسلامی عملکرد پایداری در طی بحران داشته، هرچند، غالب بانک‌های اسلامی از نظر مقیاس ناکارا بوده‌اند و بیشتر آنها بازده نزولی به مقیاس داشته‌اند. در نهایت یافته‌های مقاله تصریح می‌نماید که سودآوری و سرمایه‌گذاری دو عامل مهم و تعیین کننده در کارایی بانک‌های اسلامی بوده‌اند.

بک، کانت و مِروش^۳ (۲۰۱۳)، در مقاله‌ای تحت عنوان «بانکداری اسلامی در مقابل بانکداری ربوی: مدل تجاری، کارایی و ثبات»، به این مساله پرداخته‌اند که بانکداری اسلامی و بانکداری ربوی چقدر با یکدیگر تفاوت دارند و اینکه آیا بحران اخیر، توجه بیشتر به مدل تجاری بانکداری سازگار با شریعت را می‌تواند توجیه کند. آنان در مقاله خود بیان می‌دارند که در مقایسه بانک‌های اسلامی و

1. Romzie Rosman, Norazlina Abd Wahab, Zairy Zainol

2. Intermediation approach

3. Thorsten Beck, Asli Demirgüç-Kunt, Ouarda Merrouche

ربوی چند تفاوت معنادار در جهت‌گیری تجاری آنها ملاحظه می‌گردد. از جمله اینکه در بانک‌های اسلامی کارآیی هزینه کمتر بوده و نسبت مداخله^۱ افزون‌تر است. ولیکن، کیفیت دارایی‌ها در آنها بالاتر می‌باشد و سرمایه‌گذاری در آنها به‌نحو بهتری صورت گرفته است. از طرفی در طول بحران این سیستم بانکداری منابع کمتری را به‌دلیل فرار پس‌اندازها برای سرمایه‌گذاری در عرصه‌هایی که سودآورترند مانند بازار سهام و غیره از دست داده است. همچنین، عملکرد سهام بانک‌های اسلامی در طی بحران اخیر نیز به‌سبب فزونی ارزش کل سرمایه و کیفیت بهتر دارایی‌های آنها مناسب‌تر بوده است.

حنیف^۲ (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای با عنوان «تفاوت‌ها و تشابهات بانکداری اسلامی و بدون ربا»، با اتخاذ روش تحلیلی - توصیفی بیان می‌دارد که، بانک‌های اسلامی علی‌رغم ناهمخوانی با چارچوب و شیوه مالی موجود، رشد سریع و بی‌سابقه‌ای داشته‌اند. به‌طوری‌که، در انتهای سال ۲۰۱۲ با احتساب ۵۰ کشور، ظرفیت بانک‌های اسلامی به بیش از ۱۴۶۰ میلیارد دلار رسیده است. خاورمیانه به‌عنوان مرکز بانکداری اسلامی مشارکت ۷۴ درصدی در این شیوه بانکداری داشته و سهم بقیه دنیا از این روش ۲۶ درصد بوده است.^۳ در ادامه مقاله سه چالش عمده برای بانکداری اسلامی برشمرده می‌شود؛ اول، اینکه عملیات بانکی مطابق با شریعت تحت تأثیر نرخ بهره قرارداد، حتی در جوامع اسلامی. دوم، درکی است که شاغلان صنعت مالی درباره عملکرد آن دارند به این معنی که آیا آن را قادر به پاسخ‌گویی به کل نیازهای صنعت و تجارت می‌دانند یا نه. سوم، درک اکثریت مسلمانان از این مساله که آیا سیستم بانکداری اسلامی موجود مطابق با شریعت است یا اینکه فقط کپی‌برداری از بانکداری ربوی است که زیر پرچم شریعت قرار گرفته است. در این مطالعه شواهد ارائه شده نشان می‌دهد که بانکداری اسلامی هم مانند بانکداری بدون ربا محدودیت‌های خاص خود را دارد، مانند آنچه که از طرف شریعت بر آن تحمیل می‌گردد. با این وجود بانکداری اسلامی بسیاری از الزامات تجاری را با موفقیت پوشش می‌دهد، بنابراین درست نیست که این شیوه بانکداری کاملاً بیگانه با دنیای تجارت تصور گردد. همچنین، این مطالعه نشان می‌دهد نمی‌توان بانکداری اسلامی را کپی‌برداری صرف از بانکداری ربوی دانست چرا که تفاوت‌های نسبتاً جدی در عملکرد مؤسسات مالی اسلامی (*IFIs*)^۴ با بانکداری ربوی وجود دارد. چنانکه دیده می‌شود *IFIs* موفق به اعتمادسازی در نظر سپرده‌گذاران گردیده و سپرده‌ها را براساس مشارکت در سود و زیان دریافت

1. Intermediation Ratio

2. Muhammad Hanif

۳. آمارهای مربوطه با توجه به مقاله به‌روز شده محقق تحت همین عنوان که در ۲۶ آوریل سال ۲۰۱۴ منتشر گردیده، مورد تجدید نظر قرار گرفته است.

4. Islamic Financial Institutions

می‌کند. اگرچه گزینه‌های مالی و سرمایه‌گذاری در دسترس در بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری ربوی محدودتر است.

چپرا^۱ (۲۰۰۹)، در کتابی تحت عنوان «بحران مالی جهانی»، تلاش می‌کند به علت یا علل اصلی بحران مالی جهانی که بسیاری از مردم در سرتاسر جهان را در سه دهه اخیر درگیر خود کرده است، بپردازد. او همچنین بیان می‌نماید، بحران اخیر وام‌های مسکن بدون پشتوانه در آمریکا که اثرات آن به سراسر جهان گسترش یافته، از اهمیت خاصی برخوردار است. وی در کتاب خود استدلال می‌کند، که یکی از علل اصلی این بحران نبود مشارکت در ریسک می‌باشد. که این مساله سبب کم‌رنگ شدن نظم و انضباط بازار مالی گردیده و منجر به وام دهی بیش از حد، قدرت نفوذ بالاتر، سفته‌بازی و افزایش ناپایدار قیمت دارایی‌ها می‌شود. انهدام بعدی، باعث سوق یافتن به چرخه معیوبی از فروش می‌شود که خودش را تغذیه می‌کند و منجر به کاهش شدید قیمت دارایی‌ها شده که به نوبه خود سبب ایجاد بحران مالی و کاهش رشد اقتصادی می‌گردد. تقسیم ریسک به‌همراه در دسترس بودن اعتبار برای خرید کالاها و خدمات واقعی که از اهداف معرفی مالیه اسلامی است، می‌تواند به تزریق نظم بیشتر به سیستم کمک کند و در نتیجه‌ی پایداری ایجاد شده ناپایداری مالی کاهش می‌یابد و نظم بیشتر در سیستم مالی، وام‌گیرندگان بدون پشتوانه را از اعتبار محروم خواهد ساخت.

بنابراین، در حالی که رُزمن و همکاران (۲۰۱۴)، سرمایه‌گذاری کاراتر و سودآوری را از ویژگی‌های بانکداری اسلامی ذکر می‌کنند و بیان می‌دارند که بانک‌های اسلامی نسبت به بانک‌های ربوی در طی بحران اقتصادی ثبات بیشتری داشته‌اند، در مطالعه‌ی یک و همکاران (۲۰۱۳)، علاوه بر سرمایه‌گذاری کاراتر کیفیت بهتر دارایی‌ها نیز از دیگر شاخصه‌های مثبت بانکداری اسلامی برشمرده می‌شود و ادعان می‌گردد که بانک‌های اسلامی در مقایسه با بانک‌های ربوی در طی بحران منابع کمتری را به واسطه عدم اعتماد سپرده‌گذاران از دست داده‌اند.

همچنین، حنیف (۲۰۱۱)، مشارکت در سود و زیان و جلب اعتماد سپرده‌گذاران را از شاخصه‌های تمیزدهنده‌ی بانکداری اسلامی از بانکداری ربوی می‌داند و در نهایت، چپرا (۲۰۰۹) معتقد است که تقسیم ریسک و در دسترس بودن اعتبار برای خرید کالاها و خدمات واقعی که به قسمی می‌توان آن را از اهداف بازارهای مالی اسلامی دانست سبب جلوگیری از بروز بحران مالی و باعث پایداری اقتصادی در جوامع می‌گردد.

1. Muhammad Umer Chapra

۲. بخش حقیقی اقتصاد

همان گونه که در ابتدای مقاله مطرح گردید، ارتباط بانکداری ربوی با بخش حقیقی اقتصاد لایه شرط است ولی در بانکداری اسلامی ارتباط با بخش حقیقی ضروری و به شرط شیء است. در این قسمت مناسب است، بخش حقیقی تعریف گردد. هنگامی که در بانکداری اسلامی گفته می شود بایستی در بخش واقعی اقتصاد امری واقع گردد، مقصود این نیست که در واقع خارجی چیزی به صورت ملموس و قابل رویت ایجاد و ساخته شود بلکه مقصود تأثیرات این عقد در بازار واقعی و تأثیری است که می تواند بر تولید کالاها و خدمات ایجاد نماید. بنابر این، بایستی بخش حقیقی را فراتر از این دانست که فقط تولید کالا و خدمت به صورت مستقیم صورت گیرد. در نتیجه، اگر بستر تولید کالا فراهم گردد و رونقی در اقتصاد از جهت گردش کالاها ایجاد شود، رابطه با بخش حقیقی اقتصاد برقرار شده است.

به عبارت دیگر، مقصود از بخش حقیقی این است که از مبادله پول با پول فاصله بگیریم و پول ابتدا با کالا و سپس با پول مبادله گردد. زیرا آنچه که سبب ربوی شدن معاملات می شود، مبادله پول با پول و دریافت مبلغ مازاد در قالب قرارداد قرض است.

در بانکداری اسلامی گاهی ارتباط با بخش حقیقی مانند آن چیزی است که در عقود مشارکتی مانند مشارکت مدنی، مزارعه و مساقات دیده می شود که واقعاً قرارداد منجر به افزایش تولید می شود و گاهی مانند خرید دین است که لازم است قبل از اینکه خرید دین توسط بانک صورت بگیرد اطمینان حاصل گردد، معامله ای در بخش حقیقی اقتصاد زمینه ساز تحقق دین گردیده است؛ یعنی لازم است بخش حقیقی بر بخش پولی سبقت بگیرد. مثلاً تولید کننده کالایی را به خریدار فروخته و به جای اخذ مبلغ نقد، اسناد تجاری مدت داری را دریافت نموده ولی تمایل دارد قبل از سررسید به مبلغ نقد دسترسی یابد.

۳. تعامل بانکداری ربوی با بخش حقیقی و پولی

نظام بانکداری ربوی برای همه نیازها اعم از مصرفی و سرمایه گذاری از قرارداد قرض با بهره استفاده می کند و به طور معمول نرخ بهره آن نیز در بازار پول و به صورت برونزا از اقتصاد واقعی شکل می گیرد. تأکید نظام سرمایه داری بر حداکثر کردن سود، طراحی انواع ابزارهای مالی بیش از ظرفیت اقتصاد واقعی، رقابت فوق العاده مؤسسات بانکی و غیر بانکی در خرید و فروش این ابزارها و کاهش ایده نظارت و کنترل بر مصرف اعتبارات اعطایی دست به دست هم داده، بحران اخیر اقتصاد سرمایه داری را رقم زدند (موسویان (الف)، ۱۳۸۸).

از سال ۱۹۸۱ تاکنون امریکا سه بار با بحران روبه‌رو شده است. یکی بحران مالی اوایل دهه ۱۹۸۰ است که به بحران بدهی معروف شد. این بحران در پی اعتبارات گسترده برای صنعتی‌شدن در کشورهای امریکای لاتین شکل گرفت. این اعتبارات که از راه وام از بانک‌های تجاری تأمین می‌شد، سبب شد که بدهی امریکای لاتین به بانک‌های تجاری از حدود ۷۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۵ به بیش از ۳۱۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ رسید که نیمی از تولید ناخالص داخلی منطقه را تشکیل می‌داد (بنیاد مطالعات امریکای لاتین، ۱۹۸۶م، ص ۶۹). امریکایی‌ها برای مقابله با این حوادث به اتخاذ سیاست‌های انبساطی اقدام کرده، بهره بانکی را کاهش داده، نرخ مالیات‌ها را متعادل کرده و کوشیدند تا زمینه بازسازی اقتصاد سرمایه‌داری را فراهم کنند (برهانی، ۱۳۸۸، ص ۹۶). یکی از علل اصلی این بحران نبود مشارکت در ریسک می‌باشد. که این مساله سبب کم‌رنگ شدن نظم و انضباط بازار مالی گردیده و منجر به وام دهی بیش از حد، قدرت نفوذ بالاتر، سفته‌بازی و افزایش ناپایدار قیمت دارایی‌ها می‌شود. انهدام بعدی، باعث سوق یافتن به چرخه معیوبی از فروش می‌شود که خودش را تغذیه می‌کند و منجر به کاهش شدید قیمت دارایی‌ها شده که به نوبه خود سبب ایجاد بحران مالی و کاهش رشد اقتصادی می‌گردد (چَپرا، ۲۰۰۹ م).

ریشه اصلی این بحران‌ها، شکنندگی بازارهای مالی و ناهماهنگی آن با بازار کالا است. این ناهماهنگی‌ها زمانی پدید آمد که پول نقشی فراتر از وسیله مبادله در اقتصاد به عهده گرفت و برای آن قیمتی (نرخ بهره) فارغ از بخش واقعی اقتصاد تعیین شد. به این ترتیب پول مانند کالاها مورد مبادله قرار گرفت و بازار پول و بازار کالا به‌صورت مجزا شکل گرفت؛ زیرا وقتی نرخ بهره عامل ثابتی برای تخصیص منابع پولی در جامعه شود، در این صورت بازار پول از هماهنگی با بخش واقعی خارج می‌شود چرا که دیگر عامل تخصیص منابع براساس ملاحظات بخش واقعی اقتصاد نیست. این همان نکته‌ای است که کینز در دهه ۱۹۳۰ به آن اشاره کرد؛ اما در عمل سیاست‌گذاری‌های اقتصاد در نظام سرمایه‌داری بر مبنای آن شکل نگرفت (نظریور و همکاران، ۱۳۹۰). وقوع بحران اخیر و بی-اعتمادی در بازار مسکن آمریکا توجه‌ها را به ضعف نظام بانکداری ربوی معطوف نمود و سبب گردید بانکداری اسلامی به‌عنوان جایگزین مناسبی برای نظام فوق مطرح گردد (میرآخور، ۲۰۰۸ م).

بنابراین، در نظام بانکداری ربوی نرخ بهره مستقل از بازار کالا و در بازار پول شکل می‌گیرد و نرخی که بدین ترتیب تعیین گردیده زمینه تخصیص منابع را به‌صورت لابه‌شرط از بخش حقیقی اقتصاد بوجود می‌آورد که در خود الزامی جهت برقراری رابطه نزدیک با بخش حقیقی نخواهد دید. از سوی دیگر، رابطه‌ی بانک و گیرنده اعتبار پس از دریافت وام به‌کلی منقطع گردیده و نظارتی بر چگونگی هزینه‌کرد منابع اعطایی صورت نمی‌پذیرد و همین امر سبب شده است که در دهه‌های اخیر کشورهایی که از این نظام بانکی استفاده نموده‌اند، به‌طور مداوم با بحران‌ها بی‌مواجه شوند.

به همین جهت است که نظام سرمایه‌داری در عرصه بانکداری در پی چاره‌جویی برای رفع نواقص بانکداری ربوی اخیراً اشتیاق قابل توجهی نسبت به بانکداری اسلامی که در آن تخصیص منابع از طریق عقود شرعی انجام می‌گیرد.

۴. تعامل بانکداری اسلامی با بخش حقیقی و پولی

در نظام اسلامی با تحریم ربا، زمینه‌ای برای اختصاص پس‌انداز به معامله‌های ربوی وجود ندارد، لذا یگانه راه برای کسانی که قصد کسب درآمد از پس‌اندازشان دارند، درگیر شدن با بخش واقعی اقتصاد است. این امر سبب می‌شود، تمام وجوهی که پیش از این صرف وام‌های ربوی می‌شد، اینک به بخش حقیقی اقتصاد عرضه شود و در نتیجه وجوه عرضه‌شده برای سرمایه‌گذاری در تمام عرصه‌های اقتصادی افزایش پیدا می‌کند (نظریور و همکاران، ۱۳۹۰).

در حقیقت بانکداری اسلامی با حذف قرارداد قرض با بهره در بخش اعطای تسهیلات به خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی از قراردادهای واقعی استفاده می‌کند به این معنا که برای تأمین مالی خانوارها و نیازهای کوتاه‌مدت و مقطعی بنگاه‌های اقتصادی از قراردادهایی مانند: فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک و جعاله استفاده می‌کند. در این قراردادها ابتدا در اقتصاد واقعی کالا یا خدمتی تولید می‌شود، سپس بانک با تهیه نقدی آن کالا یا خدمت، آن را به‌صورت مدت‌دار به مشتری وامی‌گذارد؛ در نتیجه چنین قراردادهای اعتباری به هیچ‌وجه نمی‌توانند از اقتصاد واقعی پیشی بگیرند؛ بلکه همیشه در چارچوب اقتصاد واقعی خواهند بود (موسویان، ۱۳۸۸، ص ۳۰۰). همچنین، عقدهای مشارکتی در بخش سرمایه‌گذاری‌های اساسی و بلندمدت به‌جای قرض با بهره استفاده می‌شوند. پس، به‌علت ممنوعیت ربا در اقتصاد اسلامی و به‌کارگیری روش‌های تأمین مالی مشارکتی و غیرمشارکتی در بانکداری اسلامی عرضه پول به‌صورتی انجام می‌شود که به‌طور مستقیم به بخش واقعی اقتصاد گره خورده و مستقل از آن نیست (نظریور و همکاران، ۱۳۹۰).

تعامل بانکداری اسلامی با بخش حقیقی اقتصاد و وابستگی نرخ‌های سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی به بازدهی تولید، نکته کلیدی ثبات بیشتر این نظام در مقابل تکانه‌های اقتصادی است. در جدول مقایسه‌ای فوق به‌طور خلاصه می‌توان تفاوت‌های نظام بانکداری اسلامی (نظام بانکداری بدون ربا) و بانکداری ربوی را بیان نمود.

جدول (۱): مقایسه بانکداری اسلامی (بانکداری بدو ربا) و بانکداری ربوی

بانکداری اسلامی (بانکداری بدو ربا)	بانکداری ربوی	
قرض الحسنه ^۱ و وکالت ^۲	قرض با بهره	نوع رابطه بین بانک و مشتری در تجهیز منابع
قرض الحسنه، عقود مبادله‌ای ^۳ و مشارکتی ^۴ و سرمایه‌گذاری مستقیم	قرض با بهره	نوع قرارداد در تخصیص منابع
مبتنی بر باورهای اسلامی و التزام بر پابندی به محدودیت قوانین و احکام شریعت	مستقل از باورهای دینی و احکام شریعت	ارتباط با احکام دینی و فقهی
۱. ممنوعیت انجام معاملات ربوی (استفاده از سود به جای بهره)	۱. ربا به عنوان ضرورتی انکار ناپذیر در معاملات بانکی	ویژگی‌های شاخص
۲. تأکید بر قراردادهای واقعی	۲. ایفای نقش واسطه میان قرض دهنده و قرض گیرنده و عدم ضرورت تعامل با بخش واقعی اقتصاد	
۳. توزیع ریسک سرمایه‌گذاری در عقود مشارکتی	۳. انتقال ریسک به تسهیلات گیرندگان	
۴. برقراری ارتباط میان عرضه پول و بخش واقعی	۴. خلق پول بدون اعتنا به بخش واقعی	
۵. انعطاف‌پذیری هزینه‌های جذب سرمایه	۵. عدم انعطاف نرخ بهره در شرایط رونق و رکود (افزایش تقاضای در شرایط رونق و بالعکس)	
۶. محدودیت فعالیت‌های سفته‌بازی	۶. انجام فعالیت‌های سفته‌بازی و خلق ارزش‌های فراتر از ارزش دارایی‌های پایه	
۷. نظارت بر مصرف اعتبارات بانکی خصوصاً در عقود مشارکتی	۷. قطع رابطه مشتری با بانک پس از تحویل تسهیلات	

مأخذ: نظر پور و همکاران، ۱۳۹۰ و موسویان، ۱۳۸۸ - الف.

۱. در سپرده‌های جاری و پس‌انداز

۲. در سپرده‌های سرمایه‌گذاری

۳. مرابحه (فروش اقساطی)، اجاره، اجاره به شرط تملیک، سلف، جعاله، استصناع و خرید دین.

۴. مشارکت مدنی (مشارکت تناقصی)، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه و مساقات.

۵. شیوه‌های تجهیز و تخصیص منابع در بانکداری اسلامی و ارتباط آن با بخش حقیقی

در پژوهش حاضر در صدد شناخت بیشتر نظام بانکداری بدون ربا در عرصه تجهیز و تخصیص منابع و چگونگی ارتباط آن با بخش حقیقی اقتصاد هستیم. در این قسمت به‌طور مختصر شیوه‌های تجهیز و تخصیص منابع در بانکداری اسلامی را مورد بررسی قرار دهیم.

دو نظام بانکداری ربوی و غیر ربوی، از نظر تجهیز منابع پولی تشابه مختصری با یکدیگر دارند؛ اما از نظر شیوه مصرف منابع پولی کاملاً متمایزند. در نظام ربوی، بانک به وساطت از سوی سپرده‌گذاران، بدون اینکه عملاً در فعالیت اقتصادی سهم یا نقشی داشته باشند، وام یا اعتبار می‌دهند و در نظام غیر ربوی، شبکه بانکی به وکالت از سوی صاحبان سپرده، از طریق عملیات بانکداری مبتنی بر عقود اسلامی در تولید یا خدمتی اقتصادی سهم می‌شوند (حاجیان، ۱۳۹۰: ۳۳ و ۳۴).

در بانکداری بدون ربا، در بخش تجهیز منابع، سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری و پس‌انداز براساس قرض بوده، همانند بانکداری بدون ربا رابطه بانک با سپرده‌گذار رابطه بدهکار و بستانکار است؛ یعنی بانک به اندازه مبلغ سپرده، بدهکار صاحب حساب می‌شود؛ اما در سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، از یک طرف رابطه وکالت است و از طرف دیگر سودی که برای سپرده‌گذار در نظر گرفته می‌شود، سود معینی نیست (موسویان، ۱۳۸۴، ص ۵۹). همچنین، سپرده‌های حساب جاری برای بازپرداخت بدهی‌های ناشی از فعالیت‌های اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. وجود تسهیلات حساب جاری سبب می‌شود فعالان اقتصادی هنگام نیاز فوری و مقطعی، به آسانی به منابع مالی مورد نیاز دست یابند و این سبب رونق اقتصادی و توسعه بازار می‌شود (توکلی، ۱۳۹۲، ص ۳۶۴). در بخش تخصیص منابع، بانک‌های اسلامی می‌توانند از قراردادهای قرض‌الحسنه، عقود مبادله‌ای، عقود مشارکتی و سرمایه‌گذاری مستقیم استفاده نمایند.

قرض‌الحسنه قراردادی است که در آن، بانک‌ها در جایگاه قرض‌دهنده، مبلغ معینی را طبق ضوابط به افراد یا شرکت‌ها به قرض واگذار می‌کنند. گیرنده قرض متعهد می‌شود مبلغ دریافتی را طبق زمانبندی مشخص بپردازد. این روش از اعطای تسهیلات، با اهداف خیرخواهانه و کمک به نیازمندان و غیرانتفاعی است؛ یعنی بانک بابت منابع قرض داده‌شده، سودی دریافت نمی‌کند و فقط در مقابل هزینه‌ها کارمزد دریافت می‌کند (هدایتی و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۱۰۳).

طبق ماده ۱۴ قانون بانک‌ها مجازند در موارد زیر اقدام به اعطای قرض‌الحسنه کنند:

۱. به شرکت‌های تولیدی و خدماتی (غیر از بازرگانی و معدنی) که فعالیت آنها اشتغال‌زا و در جهت تأمین مایحتاج ضروری جامعه است.

۲. به افرادی که مستقیماً به امور کشاورزی و دامپروری مبادرت نمایند.

۳. برای رفع نیازهای افراد در مواردی چون: هزینه‌های ازدواج، تهیه تجهیزات، درمان بیماری، تعمیرات مسکن، کمک هزینه تحصیلی و کمک برای ایجاد مسکن در روستاها. از طرفی از آنجا که قرض الحسنه می‌تواند به دو گونه مصرفی و تولیدی تقسیم شود، بنابر این، اگر این وجوه صرف خرید کالاهای مصرفی ضروری شود، تقاضا برای کالاهای ضروری افزایش می‌یابد و اگر عرضه این کالاها باکاهش باشد، مزاد تقاضا موجب افزایش قیمت و بلافاصله باعث افزایش تقاضا برای کار و در نتیجه افزایش اشتغال، افزایش تولید و بازگشت قیمت به میزان اولیه می‌شود. اما اگر عرضه این نوع کالاها بی‌کاهش باشد، تنها اثر قرض الحسنه، افزایش قیمت کالاهای مزبور و تورم خواهد بود؛ البته حکومت اسلامی موظف است با گسترش نهاد قرض الحسنه زمینه‌ای را فراهم آورد تا همگام با افزایش تقاضا برای کالاهای مزبور تولید آنها نیز افزایش یابد. در قرض‌های تولیدی نیز چون بدون واسطه، وجوه وام گرفته شده به تأسیس یا گسترش نهاد تولیدی اختصاص می‌یابد، می‌توان انتظار داشت که اشتغال افزایش یابد. در این مورد هم دولت باید شرایطی را ایجاد کند تا این وجوه باعث نشود که در مؤسسه‌های تولیدی، سرمایه جایگزین کار شود. البته چون قرض الحسنه‌های تولیدی به مراکز تولیدی کوچک و نیازهای ضروری آنها اختصاص می‌یابد، انتظار افزایش اشتغال به واسطه آن بیجا نیست. در مورد قرض الحسنه و تولید و تأمین نیازهای اساسی نیز می‌توان گفت که با توجه به اینکه فرد مسلمان موقعی متقاضی وام می‌شود که نیاز ضروری به آن داشته قرض الحسنه موجب می‌شود تا تقاضا برای کالاهای اساسی افزایش یابد و با افزایش تقاضا و سودآورتر شدن تولید این نوع کالاها انتظار می‌رود، الگوی تولید به سمت کالاهای اساسی جریان یابد که همین امر زمینه را برای توسعه پایدار متناسب با جوامع توسعه نیافته بویژه جوامع اسلامی فراهم می‌کند (حبیبیان نقیبی، ۱۳۸۱).

از دیگر شیوه‌های تخصیص منابع در بانکداری بدون ربا روش سرمایه‌گذاری مستقیم می‌باشد که عبارت است از تأمین تمام یا بخشی از سرمایه لازم جهت اجرای طرح‌های تولیدی (صنعتی، معدنی، کشاورزی و ساختمانی)، بازرگانی و خدماتی به‌وسیله بانکها. مطابق ماده ۸ قانون عملیات بانکداری بدون ربا، بانک‌ها اعم از تجاری و تخصصی می‌توانند در طرح‌های تولیدی و عمرانی که جنبه تجملی و غیرضروری ندارند، به سرمایه‌گذاری مستقیم مبادرت کنند.

سرمایه‌گذاری مستقیم روی یک طرح می‌تواند به‌وسیله یک بانک یا با مشارکت چند بانک صورت پذیرد. این روش گرچه قرارداد نیست، از جهت آثار و نتایج شبیه قراردادهای مشارکتی است؛ یعنی انتظار انتفاع هست و نرخ سود آن متغیر خواهد بود و در پایان دوره مالی مشخص می‌شود (موسویان، ۱۳۸۴، ص ۵۲). همچنین، این شیوه سرمایه‌گذاری به دو شکل قابل تصور است: شکل اول، سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار است که اگر اوراق با بازده معین باشند، با ماهیت بانک

تجاری در جایگاه مؤسسه انتفاعی با سود معین منافات نخواهند داشت. شکل دوم، سرمایه‌گذاری مستقیم در تصدی طرح‌های تولیدی و عمرانی است (موسویان، ۱۳۸۴، ص ۵۶).

برخی سرمایه‌گذاری مستقیم را نوعی مشارکت حقوقی می‌دانند که با مشارکت بانک‌ها انجام می‌شود. بانک‌ها سرمایه لازم برای انجام سرمایه‌گذاری مستقیم را از محل آورده‌های سپرده‌گذاران تأمین می‌کنند و خود رأساً و به‌طور مستقل وارد فعالیت‌های تولیدی و عمرانی می‌شوند. اما از لحاظ اقتصادی، با نقش واسطه‌گری و اصل تقسیم کار مغایر است. علاوه بر این، درجه نقدینگی دارایی‌های بانک را کاهش می‌دهد (حاجیان، ۱۳۹۰، ص ۵۵).

بنابراین، در این شیوه تخصیص منابع بانک بدون واسطه و مستقیماً در طرح‌های سرمایه‌گذاری سودآور که از قبل ارزیابی‌های لازم مبنی بر توجیه‌پذیری اقتصادی آن انجام پذیرفته، حضور می‌یابد و بدین نحو مستقیم و بدون واسطه با بخش حقیقی اقتصاد مرتبط می‌گردد.

در مورد عقود مبادله‌ای و مشارکتی به‌عنوان زیر مجموعه‌ای از روش تخصیص منابع برای جلوگیری از تکرار مباحث در قسمت بعدی بحث می‌گردد.

جدول (۲): نحوه ارتباط تجهیز و تخصیص منابع با بخش حقیقی اقتصاد

شیوه‌ها	ارتباط با بخش حقیقی اقتصاد
سپرده قرض الحسنه جاری	به کارگیری مانده حساب در عقود مبادله‌ای، مشارکتی و سرمایه‌گذاری مستقیم
سپرده قرض الحسنه پس‌انداز	به کارگیری در تولید و ایجاد اشتغال و صرف در مخارج ضروری خرید کالا و خدمات
سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار	از طریق به کارگیری در عقود مبادله‌ای، مشارکتی و سرمایه‌گذاری مستقیم
قرض الحسنه	تولید کالاهای اساسی و گسترش مراکز تولیدی و خدماتی با مقیاس کوچک و ایجاد اشتغال
عقود مبادله‌ای	تولید کالاها و خدمات
عقود مشارکتی	مشارکت در تولید کالاها و خدمات
سرمایه‌گذاری مستقیم	سرمایه‌گذاری در طرح‌های تولیدی، عمرانی، بازرگانی و خدماتی

۶. چگونگی ارتباط عقود مبادله‌ای و مشارکتی با بخش حقیقی اقتصاد

در این قسمت به بررسی تک تک زیر مجموعه‌های عقود مشارکتی و مبادله‌ای و ارتباط آنها با بخش حقیقی اقتصاد می‌پردازیم.

۷. عقود مبادله‌ای و مشارکتی و ارتباط آنها با بخش حقیقی

۷-۱. عقود مبادله‌ای و ارتباط با بخش حقیقی اقتصاد

عقود مبادله‌ای، عقود هستند انتفاعی و تملیکی و نرخ سود قرارداد از ابتدا مشخص می‌گردد. در این گونه عقود رابطه بدهکار و بستانکار بین طرفین قرارداد وجود دارد. همچنین، پس از انعقاد عقد قرارداد نیازی به نظارت و کنترل مستمر از سوی متعاقدين وجود ندارد. قراردادهای مباحه (فروش اقساطی)، اجاره، اجاره به شرط تملیک، سلف، جعاله، استصناع و خرید دین در زمره عقود مبادله‌ای قرار دارند.

در این شیوه بر خلاف تأمین مالی ربوی که در آن بانک رابطه‌ای با بازار حقیقی ندارد، بانک وارد چرخه واقعی اقتصاد می‌شود و نیازهای واقعی را تأمین می‌کند. به‌طور نمونه در بانک‌های ربوی مشتریان با پرداخت بهره تسهیلات دریافت می‌کنند و در صورت اطمینان از بازگشت اصل و سود، بانک دغدغه‌ای در مورد چگونگی هزینه شدن وجوه ندارد. در مقابل هنگامی که یک بانک اسلامی تسهیلات می‌پردازد، نسبت به هزینه شدن این وجوه در بخش تعیین شده حساسیت دارد (توکل، ۱۳۹۲، ص ۲۴۲). بنابراین، تأمین مالی مبادله‌ای هرچند از جهت معین بودن سود و واکنش کم به نوسان بازار مشابه تأمین مالی ربوی است، از جهت شکل‌گیری معامله حقیقی و تبعیت نرخ آن از شرایط بازار کالا از آن متمایز است (توکل، ۱۳۹۲، ص ۳۰۰). به عبارت دیگر عقود مبادله‌ای فروش کالاها و خدمات می‌باشد، نه مبادله و دریافت و پرداخت وام و نرخ این عقود در حقیقت قیمت کالا و نه نرخ بهره است و در این عقود تأمین مالی به پروژه‌ها، کالاها و خدمات واقعی مرتبط می‌شود. از این رو احتمال پراخت بی‌رویه وام و اعتبار به هر دو بخش خصوصی و دولتی محدود خواهد شد که این امر به رشد هماهنگ پول با تولید کمک کرده و فشارهای تورمی را می‌کاهد. ثابت بودن نرخ سود در بسیاری از عقود مبادله‌ای به هیچ وجه باعث ظالمانه شدن این عقود نمی‌گردد، زیرا ظالمانه بودن ربا که در آن نرخ سود ثابتی دریافت می‌گردد، صرفاً به سبب ماهیت قراردادی است که تحقق می‌یابد. به عبارت دیگر در قرارداد ربوی اگر با پایان زمان مقرر فرد موفق به بازپراخت وام نگردد، قرارداد ربوی بدون نیاز به قرارداد جدید، خودبه‌خود وام جدیدی تبدیل می‌شود که اصل و سود آن مشمول سود ربوی می‌شود. اینکه تا چه زمانی پول مزبور در دست فرد باقی می‌ماند و در این مدت چه مقدار بر عهده او افزوده خواهد شد، معلوم نیست؛ چرا که ممکن است بارها و بارها اصل پول

قرض گرفته را پرداخت کند، اما هنوز هم چندین برابر آن را مدیون باشد. در نتیجه، این عقود می-توانند به عنوان یکی از روش های مناسب برای تخصیص منابع در بانکداری اسلامی محسوب گردند، که در عین حال منقطع از بخش حقیقی نیز نمی باشد.

۱-۷. قرارداد مرابحه (فروش اقساطی)

مرابحه در لغت از ریشه «ربح»، و به معنای زیادی و رشد در تجارت است (عبدالمنعم حسنین، ۱۹۹۶، ص ۱۹) و قرارداد فروشی است که فروشنده به وسیله آن قیمت تمام شده کالا، اعم از قیمت خرید، هزینه های حمل و نقل، نگهداری و سایر هزینه های مرتبط را به اطلاع مشتری می رساند، سپس با افزودن مبلغ یا درصدی به عنوان سود، به وی می فروشد، بیع مرابحه می تواند به صورت نقد یا نسیه منعقد گردد و به طور معمول، نرخ سود نسیه آن بیشتر است.

مرابحه قابلیت های بسیار زیادی داشته و در صورت توسعه، می تواند به طور کامل جایگزین عقود دیگری مانند مضاربه، جعاله و فروش اقساطی گردد (موسویان و بازوکار، ۱۳۹۰، ص ۳۱).

نکته ای حائز اهمیت در قرارداد مرابحه این است که در بیع مرابحه حتماً باید کالا یا خدمتی خریداری و سپس فروخته شود یعنی باید در اقتصاد واقعی پدیده ای رخ دهد. همین طور، قرارداد مرابحه باید بعد از خرید بایع و تملک او انجام گیرد و قبل از آن هر نوع تعهدی بر خرید هم بوده باشد، هنوز بیع مرابحه واقع نشده و نرخ سود مرابحه نیز می تواند به صورت مبلغ یا درصد باشد.

همچنین، در ماده ۲ دستورالعمل اجرایی عقد مرابحه ذکر گردیده است که بانک ها می توانند به-منظور رفع نیازهای واحدهای تولیدی، خدماتی و بازرگانی برای تهیه مواد اولیه، لوازم یدکی، ابزارکار، ماشین آلات، تأسیسات، زمین و سایر کالاها و خدمات مورد احتیاج این واحدها و نیازهای خانوارها برای تهیه مسکن، کالاهای بادوام و مصرفی و خدمات، به سفارش و درخواست متقاضی مبادرت به تهیه این اموال و خدمات نموده و سپس آن را در قالب عقد مرابحه به متقاضی واگذار نماید. چنانکه در ماده ۲ دستورالعمل اجرایی عقد مرابحه به وضوح روشن است، این قرارداد در تعاملی آشکار با بخش واقعی اقتصاد، در صدد رفع نیازهای حقیقی واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی و خانوارهاست. برای حصول اطمینان از تحقق معامله در بخش حقیقی اقتصاد قانون گذار در ماده ۵ دستورالعمل اجرایی مرابحه بانک را موظف کرده تا اطمینان حاصل نماید که عقد قرارداد براساس تبانی متقاضی و فروشنده واقع نگردیده باشد و در ماده ۲۰ نیز بانک ها به اعمال نظارت کافی در طول مدت اجرای قرارداد مکلف شده اند.

لازم به ذکر است که قرارداد فروش اقساطی پیش از قرارداد مرابحه در سیستم بانکی با موارد کاربرد بسیار محدودتر و فقط برای فراهم آوردن تسهیلاتی جهت امور تولیدی و خدماتی، کالاهایی نظیر مواد اولیه و لوازم یدکی، اموال منقول نظیر وسایل، ماشین آلات و تأسیسات و مسکن را تهیه

و در اختیار متقاضیان قرار می‌داد. فروش اقساطی به لحاظ کاربرد موضوعی فقط برای کالاهای محدود و معینی قابل استفاده است در حالی که مرابحه منحصر به کالای خاصی نیست و می‌توان از آن برای تمامی کالاهای مصرفی و بادوام مورد نیاز خانوارها، مؤسسات تولیدی، صنعتی و بازرگانی استفاده نمود. مرابحه علاوه بر پوشش گسترده کالاهای برای خرید خدمات مورد نیاز خانوارها، مؤسسات تولیدی، صنعتی و حتی بازرگانی نیز قابل استفاده است، در حالی که در فروش اقساطی چنین امکانی وجود نداشت. از لحاظ شیوه پرداخت، فروش اقساطی عموماً شیوه پرداخت اقساطی تدریجی را مورد توجه قرار داده است در حالی که مرابحه سایر شیوه‌های پرداخت در عقد بیع اعم از بیع نقدی، بیع نسبه دفعی و بیع نسبه اقساطی را در برمی‌گیرد. در نتیجه، با ورود قرارداد مرابحه که عملاً در برگیرنده کلیه مفاد فروش اقساطی نیز می‌باشد می‌توان گفت قرارداد اخیر دیگر کاربردی نخواهد داشت.

۲-۱-۷. قرارداد اجاره به شرط تملیک

قرارداد اجاره به شرط تملیک قراردادی معوض و تملیکی است برای تهیه و واگذاری اموال منقول و غیر منقول توسط فروشنده به خریدار، مشروط بر اینکه چنانچه مبلغ قرارداد در اقساط معین شده مسترد گردد، خریدار مالک اموال مزبور خواهد شد. این عقد از یک سو با اجاره هماهنگی دارد و از سوی دیگر با عقد بیع، زیرا تملیک منافع در ابتدای آن ظهور پیدا می‌کند و در پایان منجر به تملیک عین می‌گردد. بانک‌ها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور خدمات، کشاورزی، صنعتی و معدنی، به عنوان موجر مبادرت به معاملات اجاره به شرط تملیک بنمایند.^۱ همچنین بانک‌ها مکلفند در قرارداد اجاره به شرط تملیک شرط نمایند که در پایان مدت اجاره و پس از پرداخت آخرین قسط مال الاجاره، در صورتی که کلیه تعهدات مستأجر طبق قرارداد انجام شده باشد، عین مستأجره در مالکیت مستأجر درآید.^۲ در عقد اجاره به شرط تملیک مقصود تملک نهایی عین مستأجره می‌باشد، لکن مستأجر توانایی پرداخت کل ثمن را در زمان انعقاد قرارداد ندارد، بدین جهت این قرارداد با فراهم آوردن تسهیلاتی این امکان را در اختیار مستأجر قرار می‌دهد تا ثمن را به صورت تدریجی بپردازد و در پایان قرارداد مالک عین مستأجره گردد و از طرفی مؤجر هم در مقابل پرداخت دین از ناحیه مستأجر تضمین و وثیقه مطمئنی داشته باشد.

بانک اسلامی اردن از این قرارداد در مورد کشتی‌ها، هواپیماها، مستغلات و ... ماشین‌آلات و به طور کلی تمام چیزهایی که می‌توان آنها را پس از خرید برای مدت معینی اجاره داد و مشتری در انتهای مدت اجاره، براساس قواعد و عقود شرعی مالک آن شود، استفاده می‌کند (البنک الاسلامی

۱. براساس ماده ۲ دستورالعمل اجرایی اجاره به شرط تملیک

۲. همان، ماده ۱۲

الاردنی، ص ۴). بنابراین، عقد اجاره به شرط تملیک در رابطه با اجاره کالاهایی است که در بخش حقیقی اقتصاد تولید شده و پرداخت اجاره بها در زمانبندی خاصی صورت پذیرفته و پس از پرداخت آخرین قسط کالای موضوع اجاره به تملک مستأجر در می‌آید. بنابراین تا زمانی که کالا در بخش حقیقی اقتصاد تولید نشده باشد، اجاره به شرط تملیک معنایی ندارد.

۳-۱-۷. قرارداد سلف

در نظام بانکی ج.ا.ایران، بانک‌ها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی، اعم از اینکه مالکیت این واحدها متعلق به شخص حقیقی و حقوقی باشد، منحصرأ بنابه درخواست این گونه واحدها مبادرت به پیش خرید محصولات تولیدی آنها بنمایند.^۱ تولیدکننده‌ای که در جریان تولید کالا یا فرآورده دچار کمبود سرمایه در گردش می‌شود، از طریق پیش‌فروش قسمتی از تولید خود نیاز مالی بنگاه را تأمین می‌کند. ثمن در معامله سلف نقد است و کل آن باید در مجلس عقد تحویل بایع شود، اگر مقداری از آن در ذمه باقی باشد فقط در صورتی صحیح است که دین حال باشد و دین مدت‌دار در ذمه بایع نمی‌تواند ثمن سلف باشد.

در معاملات سلف، خریدار، کل قیمت کالا را هنگام معامله به فروشنده می‌پردازد و کالا را در موعد معین تحویل می‌گیرد. معامله سلف، حجم بسیاری از معاملات بورس را می‌پوشاند. با این معامله، تولیدکننده می‌تواند مشکل نقدینگی خود را رفع سازد و از طرفی مطمئن باشد که کالای او با چه قیمتی فروخته خواهد شد، خریدار هم به تحویل کالا با قیمت معین اطمینان می‌یابد (رضایی، ۱۳۸۴، ص ۱۶). از طرفی بازار سلف محصولات نیز، نهادی برای گسترش مبادلات کالا است. این شیوه می‌تواند به طور بالقوه به بهبود کیفیت و کارآمدی تولید و مبادله کمک کند و این کار را با توزیع مجدد خطرات سرمایه‌گذاری از افرادی که توانایی مالی کمتری دارند به افراد با استطاعت مالی بهتر انجام دهد (فهیم خان، ۱۹۹۷م).

براساس آیین‌نامه اجرایی سلف، بایستی عقد سلف با تولیدکننده اصلی کالا صورت گیرد و ریسک اعتباری بانک در رابطه با عدم تحویل کالا کاهش پیدا می‌کند، زیرا اگر قرارداد با خریداران واسطه منعقد گردد ممکن است با احتمال بیشتری نتوانند کالا را در موعد مقرر تحویل دهند.

در قرارداد سلف که بین بانک و متقاضی تسهیلات منعقد می‌شود، پول در زمان انعقاد قرارداد به متقاضی پرداخت می‌گردد و از طرفی به او وکالت داده می‌شود تا در زمان سررسید کالا را در بازار فروخته و مبلغ مورد توافق را به بانک پرداخت نماید. حال با توجه به اینکه تسهیلات گیرنده وکیل بانک در فروش می‌باشد، اگر در موعد تحویل کالا، قیمت کالا در بازار افزایش یابد، می‌تواند کالا را به خودش بفروشد و مبلغ پیشنهادی بانک را بپردازد و مابقی سود به خودش تعلق دارد. اگر

۱. آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، ماده ۴۱.

قیمت در بازار کاهش یافته باشد، می‌تواند کالا را به بانک تحویل دهد تا خود بانک تعیین تکلیف نماید، تا اگر خواست کالا را بفروشد و یا اینکه تا زمان افزایش قیمت، کالا را نگاه دارد. به عبارتی، اگر بانک مسئولیت تحویل کالا را بر عهده بگیرد و خود اقدام به فروش کالا کند، می‌تواند از مزایای افزایش قیمت سود ببرد. بنابراین، در معامله سلف در عین حال که به‌طور مستقیم معامله بر پایه خرید و فروش کالا در بخش حقیقی اقتصاد صورت می‌گیرد، سود نیز متغیر بوده و براساس شرایط حاکم بر بازار می‌تواند افزایش یا کاهش یابد.

عقد سلف از طریق شکل‌دهی بازار سلف برای توسعه‌ی مبادلات کالاها و اطمینان از اینکه محصولات تولید شده متقاضی خواهد داشت، به تولید در بخش حقیقی اقتصاد، که خود منجر به ایجاد اشتغال می‌شود، اقدام می‌کند.

۴-۷. قرارداد جعالة

جعالة در لغت به معنای اجرت، حق‌العمل و مزد می‌باشد (عمید، ۱۳۷۶: ۴۶۳) و قراردادی است جایز که به موجب آن، جاعل (کارفرما) در مقابل انجام عمل معین ملزم به پرداخت جُعَل (اجرت) معلوم می‌گردد. طرفی که عمل یا کار را انجام می‌دهد عامل یا (پیمانکار) نامیده می‌شود. در جعالة-های بانکی، متقاضی تسهیلات با بانک جعالة‌ای منعقد می‌کند مبنی بر اینکه بانک کار خاصی را برای او انجام دهد و جُعَل را به‌صورت نسبی اقساطی از او دریافت کند، سپس بانک در قرارداد جعالة دیگری که به‌صورت نقد است، انجام کار را به عامل دیگری می‌سپارد. از نظر فقهی چون دو قرارداد مستقل از هم بوده و طرفین معامله متفاوت هستند، زیادی جُعَل قرارداد اول نسبت به قرارداد دوم اشکالی نخواهد داشت.

بانک‌ها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش امور تولیدی، بازرگانی و خدماتی با تنظیم قرارداد به عنوان «عامل» یا عندالاقضاء به عنوان «جاعل» مبادرت به جعالة نمایند.^۱ در صورتی که اعطای تسهیلات از طریق جعالة برای اجرای طرح‌های تولیدی و یا خدماتی صورت گیرد، بانک‌ها مکلفند طرح مورد قرارداد را از لحاظ فنی، مالی و اقتصادی (در حد نیاز بانک) بررسی و ارزیابی نمایند.^۲

بانک اسلامی می‌تواند از راه قرارداد جعالة تسهیلات متعددی به این شرح ارائه کند: الف) بانک اسلامی می‌تواند خدمات مورد نیاز خانوارها مانند، خدمات درمانی، آموزشی، بیمه، حمل و نقل، تعمیر، نگهداری و ساخت مسکن و ... را به‌صورت جعالة نقد از مراکز خدماتی دریافت کرده با احتساب سود بانکی به‌صورت جعالة نسبی دفعی یا اقساطی به خانوارها واگذارد؛ ب) بانک اسلامی

۱. ماده ۲ دستورالعمل اجرایی جعالة

۲. تبصره ماده ۳، همان

می‌تواند خدمات مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی مانند، خدمات بیمه، حمل و نقل، تعمیر، نگهداری و ساخت محل کار، انبارداری، نظافت، نگهداری را به‌صورت جعاله نقد از مراکز خدماتی دریافت کرده با احتساب سود بانکی به‌صورت جعاله نسیه دفعی یا اقساطی به بنگاه‌ها واگذارد. مابه‌التفاوت قیمت جعاله نقد با جعاله نسیه سود بانک خواهد بود که افزون بر عوامل ریسک به طول مدت جعاله اقساطی نیز بستگی خواهد داشت (موسویان (ب) ۱۳۸۸، ص ۸۲). بنابراین، عقد جعاله در به-کارگیری تسهیلات بانکی، برای بانک‌ها امکان گسترش و توسعه در امور مربوط به تولیدات صنعتی و کشاورزی، بازرگانی و خدماتی با تنظیم قرارداد به‌عنوان عامل یا در صورت نیاز به‌عنوان جاعل را فراهم می‌نماید (موسویان، ۱۳۸۹، ص ۹۱).

مطابق آموزه‌های فقه اسلام و حقوق مدنی ایران، قرارداد جعاله قلمرو خیلی گسترده و قابلیت اجرای انعطاف‌پذیری دارد؛^۱ اما آیین‌نامه اجرایی قانون بانکداری بدون ربا، آن را چنان محدود کرده که امروزه در موارد کمی چون تعمیر مسکن کاربرد دارد (موسویان ۱۳۸۴، ص ۶۳). به لحاظ اجرایی جعاله بر دو نوع است؛ در صورت اول، بانک باید در مقابل مبلغی معین که به‌صورت اقساطی پرداخت می‌شود، انجام عملی را متعهد شود (جعاله اول)، سپس آن‌را با جعاله دیگری به عامل یا پیمانکار واگذار نماید. در صورت دوم، بانک مشتری را وکیل انعقاد قرارداد برای جعاله دوم می‌کند و مشتری در جایگاه وکیل بانک، جُعل لازم را برای انعقاد جعاله دوم از بانک می‌گیرد.

از موارد مذکور چنین برمی‌آید که قرارداد جعاله امکان مداخله بانک‌ها در امور تولیدی مربوط به صنعت و خدمات و کشاورزی و بازرگانی را فراهم می‌آورد و بدین لحاظ از نظر فقه اسلامی ظرفیت ورود به عرصه‌های مختلف بخش حقیقی اقتصاد را دارد و آنچه در عمل گستره‌ی کاربرد آن را محدود به موارد جزئی نموده اشکالات اجرایی است که باید در آن تجدیدنظر گردد.

۵-۱-۷. قرارداد استصناع

پس از آنکه مجمع فقهی سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۱۴۱۲ قمری در جده اعلام نمود که عقد استصناع، عقدی لازم است، به‌دلیل ماهیت و ویژگی‌های آن، در کشورهای اسلامی گسترش یافت و در پایان سال ۱۳۸۹ با تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان، قرارداد استصناع به قوانین ایران اضافه گردید.

استصناع در لغت از ماده صنع به‌معنای سفارش ساخت است و در اصطلاح، قراردادی است بین دو شخص حقیقی یا حقوقی مبنی بر تولید کالایی خاص یا احداث طرح ویژه است که در آینده ساخته و قیمت آن نیز در زمان یا زمان‌های توافق شده به‌صورت نقد یا اقساط پرداخت شود. با توجه به این تعریف، دامنه عقد استصناع بسیار گسترده خواهد بود و شامل سفارش ساخت کالاهای

۱. جعاله از نگاه فقهی قابلیت به کارگیری در امور خدماتی نظیر خدمات بهداشتی، آموزشی و جهانگردی را دارد.

بی‌شمار نظیر فرش، خانه، خودرو، کشتی، هواپیما و طرح‌ها و سفارش احداث شرکت‌های کوچک و بزرگ و حتی احداث شهرک‌ها و مجموعه‌های بزرگ صنعتی و طراحی یک پروژه یا اصلاح ساختار یک تشکیلات و ... می‌شود. عقد استصناع عقد مستحدث و جدیدی نیست (مانند عقد بیمه)؛ بلکه از گذشته‌های دور این عقد مطرح بوده و فقیهان بزرگوار بعضی از احکام فقهی آن را نیز مطرح کرده‌اند (نظریور، ۱۳۸۴، ص ۸۴). فقط تفاوت زمان حاضر و زمان های گذشته در کمیت، کیفیت و گستردگی قرارداد استصناع در زمان حاضر است به گونه‌ای که این قرارداد را می‌توان در زمره قراردادهای بسیار با اهمیت در عرصه اقتصادی امروز قرار داد و بسیاری از پروژه‌ها و طرح‌های کلان کشورها مانند خط‌های انتقال نفت و گاز، کارخانه‌های عظیم پتروشیمی، ذوب آهن، سد سازی و ... را در چارچوب این قرارداد احداث کرد. تاکنون با عنوان قرارداد استصناع در سطح بین‌المللی احداث برج‌های اداری و مسکونی و تجاری، جاده و آزادراه، توسعه سامانه‌های برق، توسعه و تجهیز سامانه تصفیه آب، احداث پل‌ها و توسعه بندرها و ... صورت عملی به خود گرفته است (کميجانی و نظریور، ۱۳۸۷، ص ۷۰). در عرصه بین‌المللی این قرارداد به قرارداد ساخت^۱ شهرت دارد، گرچه بسیاری از قراردادهای بین‌المللی که در چارچوب *B.O.T*^۲ اجرا می‌شوند قابل انطباق بر قرارداد استصناع است (نظریور، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳).

از آنجا که کالاهای منظور در قرارداد استصناع در زمان انعقاد قرارداد معدوم می‌باشد و مقصود از قرارداد تولید آن است و همچنین این قرارداد در مورد کالاهایی است که ساخته می‌شوند و نه حتی کالاهای طبیعی (نظیر میوه و سبزی) به‌طور حتم این قرارداد در تعامل مستقیم با متغیرهای بخش حقیقی اقتصاد می‌باشد. در همین راستا در دستورالعمل اجرایی عقد استصناع آمده است که بانک‌ها می‌توانند به‌منظور گسترش بخش‌های تولیدی از قبیل صنعت و معدن، مسکن و کشاورزی، تسهیلات لازم را به مشتریان در قالب عقد استصناع اول اعطا نموده و سپس براساس عقد استصناع دوم قرارداد ساخت را به سازنده واگذار نمایند.^۳ عقد استصناع به خوبی می‌تواند جایگزین قرارداد مشارکت مدنی برای ساخت و سازها و تکمیل طرح‌های تولیدی شده و از آنجا که قراردادی مبادله‌ای با ساختار بانک‌های تجاری و حتی تخصصی بسیار سازگارتر است؛ ارتباط قرارداد استصناع با بخش حقیقی اقتصاد کاملاً آشکار می‌شود.

1. Construction Contract
2. Build- Operate- Transfer

۳. ماده ۲ دستورالعمل اجرایی عقد استصناع.

۶-۷. قرارداد خرید دین

خرید دین تسهیلاتی است که به موجب آن، بانک، سفته یا براتی را که ناشی از معامله نسبی باشد خریداری می‌کند. مبنای فقهی خرید دین در بانکداری بدون ربا، بیع دین است. در این روش بانک‌ها برای تأمین نقدینگی و سرمایه در گردش مورد نیاز متقاضیان، اسناد مالی (طلب) مدت‌دار آنان را طبق مواد مطرح شده در دستورالعمل اجرایی خرید دین بانک‌ها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت تمامی بخش‌های اقتصادی، دیون موضوع اسناد و اوراق تجاری مدت‌دار متقاضیان را خریداری نمایند^۱ و اسناد و اوراق تجاری به آن دسته از اسناد و اوراق بهادار اطلاق می‌گردد که مفاد آن حاکی از طلب حقیقی متقاضی باشد.^۲ همچنین، بانک‌ها موظف‌اند قبل از خرید دین موضوع اسناد و اوراق تجاری، از حقیقی بودن دین و نقدشوندگی آن در سررسید، اطمینان حاصل نمایند.^۳ چنانکه دین صوری باشد و ناشی از معاملات واقعی نباشد، مشمول حکم ربا می‌گردد.

با مصوبه جدید شورای پول و اعتبار در جهت تصویب عقد خرید دین در سال ۱۳۹۰، گام کوچکی در جهت‌گیری درست برداشته شد، چرا که سیر افزایشی بودن هزینه‌های تأمین مالی در اقتصاد ایران که قیمت تمام‌شده تولید داخلی را بالا می‌برد، قابل دفاع و ادامه نبوده است. براساس مصوبه شورای پول و اعتبار، عقد خرید دین جزء عقود قابل قبول بانکی خواهد بود، در واقع عقد خرید دین راهکاری است که بانک‌های تجاری و تخصصی بتوانند مواد اولیه، ماشین‌آلات و محصولات تولیدکنندگان را به عنوان وثیقه بپذیرند و اسناد آنها را از تولیدکنندگان به عنوان وثیقه در تأمین وجوه، گردش سرمایه و یا واردات قبول کنند. در مقابل بانک مرکزی نیز این اسناد را از بانک‌ها می‌پذیرد و با حمایت خود، بانک‌های تجاری و تخصصی به کمک تولید کشور می‌شتابند، آثار تورمی آن نیز حداقلی خواهد بود (نهادن‌دیان، ۱۳۹۰).

اگرچه تنزیل مجدد این اوراق از سوی بانک‌های تجاری و تخصصی و یا از سوی بانک مرکزی در بازار پولی صورت می‌پذیرد و این معامله نیز مورد پذیرش است اما از آنجا که قبل از تنزیل این اسناد، ضرورتاً باید در بخش حقیقی اقتصاد بدهکاری و دینی صورت پذیرد و آن اسناد در آن مرحله تکوین یابد، تنزیل اسناد تجاری هم در صورتی مجاز است که در بخش حقیقی اقتصاد اتفاقی صورت پذیرد. در صورتی که اتفاقی در بخش حقیقی اقتصاد نیفتد و اسناد به صورت غیر واقعی و صوری شکل یابد، تنزیل این اسناد در واقع دریافت قرض به مبلغ تنزیل شده و اعطای آن به مبلغ

۱. ماده ۲ دستورالعمل اجرایی خرید دین.

۲. همان، ماده ۳.

۳. همان ماده ۴.

بیشتر در زمان آینده است که تضمین پرداخت آن در قالب دریافت اسناد تجاری به مبلغ اسمی آن خواهد بود و این چیزی جز تحقق معامله ربوی و غیر مجاز نیست.

۷-۲. عقود مشارکتی و ارتباط آن با بخش حقیقی اقتصاد

عقود مشارکتی شامل تسهیلات مضاربه، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مزارعه و مساقات می-باشد. فعالیت این گروه بر مبنای مشارکت و به قصد انتفاع صورت می‌پذیرد و بازده حاصل از این نوع فعالیت طبق توافق طرفین و براساس نسبت‌های مورد توافق تقسیم می‌شود (نظرپور و کشاورزبان، ۱۳۹۲).

جدول (۳): چگونگی ارتباط عقود مبادله‌ای با بخش حقیقی اقتصاد

عنوان عقد مبادله‌ای	شیوه ارتباط با بخش حقیقی اقتصاد
مراجعه و فروش اقساطی	این دو قرارداد از طریق تهیه مواد اولیه، لوازم یدکی، ابزار کار، ماشین‌آلات، تأسیسات، زمین و سایر کالاها و خدمات مورد احتیاج واحدهای تولیدی و بازرگانی و خدماتی و نیازهای خانوارها برای تهیه مسکن، کالاهای بادوام و مصرفی و خدمات در ارتباط با بخش حقیقی اقتصاد قرار می‌گیرند. (قرارداد مراجعه جامع بوده و فروش اقساطی را نیز دربر می‌گیرد).
اجاره به شرط تملیک	این قرارداد در مورد تملیک منافع به شرط تملیک عین در رابطه با کالاهایی مانند خانه و زمین و یا هر نوع کالای دیگر در بخش صنعت، کشاورزی و خدمات می‌باشد که در بخش حقیقی اقتصاد تولید شده و اجاره آن به صورت اقساطی پرداخت می‌گردد.
سلف	قرارداد سلف از طریق ایجاد اطمینان خاطر برای تولیدکننده نسبت به فروش کالایی که در آینده برای عرضه آماده می‌شود، سبب گسترش تولید کالاها می‌گردد و از سوی دیگر می‌تواند نقدینگی لازم را در جریان تولید در اختیار تولیدکننده قرار دهد.
جعاله	از طریق ارائه خدمات مورد نیاز خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی در تعامل با بخش حقیقی اقتصاد می‌باشد.
استصناع	از طریق تولید کالایی خاص یا احداث طرحی ویژه در آینده سبب گسترش بخش‌های تولیدی از قبیل صنعت، معدن و کشاورزی می‌شود.
خرید دین	بایستی در آغاز شکل‌گیری ارتباط آن با بخش حقیقی ملحوظ گردد، بدین معنا، که دین بایستی ناشی از معاملات واقعی باشد در غیر این صورت مشمول حکم ربا می‌گردد.

در فضای رقابتی کسب و کار، بسیاری از بنگاه‌های خرد اقتصادی برای تکمیل یا تأمین مالی پروژه‌های اقتصادی خود نیازمند دریافت تسهیلات مشارکتی و تسهیم ریسک و بازده هستند. به باور بعضی از محققان پولی و مالی، نظام مشارکت در سود و زیان^۱ باعث رونق و رشد بخش واقعی اقتصاد می‌شود (چپرا ۱۹۸۵ م، ص ۱۷۱ و صدیقی، ۱۹۸۳ م، ص ۱). روش اجرای صحیح قراردادهای مشارکتی بر مبنای تسویه سود و زیان تحقق‌یافته در انتهای طرح یا سرسید است؛ یعنی عامل با دریافت تسهیلات و به‌کارگیری آن در پروژه‌های سودآور، پس از پایان دوره به سود یا احتمالاً ضرر معینی خواهد رسید و براساس همین نرخ محقق شده و به نسبت سهم الشرکه، عامل و بانک منتفع یا متضرر می‌شوند (همان، ص ۱۳۶).

اجرای واقعی و دقیق عقد مشارکت به خودی خود می‌تواند امتیازها و نتیجه‌های مطلوبی را برای اقتصاد کشور به همراه آورد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به تطابق با عدل و قسط، کاهش هزینه‌های تولید، افزایش تولید و عرضه کل، افزایش سرمایه‌گذاری و اشتغال و حل مشکل‌های ناشی از تمدید قراردادهای بانکی اشاره کرد (موسویان، ۱۳۸۱، ص ۲).

بنابراین، نظام مشارکتی با مشارکت در ریسک سرمایه‌گذاری سبب تشویق افراد برای ورود به عرصه‌های تولیدی می‌گردد که رسیدن به سوددهی در آن عموماً زمان‌بر بوده و در ابتدا ممکن است سود چشمگیری عاید نگردد ولی با گذشت زمان در صورت موفقیت، زمینه‌ی اشتغال، رشد و توسعه اقتصادی پایدار را برای جامعه فراهم خواهد آورد.

۱-۲-۷. قرارداد مضاربه

مضاربه عقدی است بین بانک و تاجر، برای اقدام به خرید و فروش کالا، در این نوع قرارداد، بانک به‌عنوان مضارب، تأمین‌کننده‌ی سرمایه و طرف دیگر قرارداد به‌عنوان عامل، عهده‌دار انجام امور مربوط به تجارت می‌باشد. نوع کاری که عامل با سرمایه بایستی انجام دهد تجارت است و اگر عامل از راه‌های دیگری مثل تولید یا زراعت و غیره، از سرمایه سود به‌دست آورد مطابق نظر مشهور فقیهان امامیه عنوان مضاربه صدق نمی‌کند. همچنین، سهم هر کدام از عامل و مالک از سود حاصله (نه درصدی از سرمایه) باید در ابتدای عقد مشخص شود. این مقدار برای هر کدام باید به‌صورت کسری از کل سود باشد و نمی‌تواند مقدار قطعی را برای یکی از طرفین در نظر گرفت.

بانک‌ها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور بازرگانی به‌عنوان مالک، سرمایه نقدی (منابع) لازم (به‌صورت تسهیلات مضاربه) را در اختیار عامل اعم از شخص حقیقی یا حقوقی قرار دهند. همین‌طور، بانک‌ها در امور واردات مجاز به مضاربه با بخش خصوصی نمی‌باشد.^۲

1. PLS

۲. ماده ۳، همان

بنابراین، پیداست که قانون‌گذار اعطای تسهیلات مضاربه را برای توسعه‌ی تولید داخلی ترغیب نموده است و نه کمک به واردات کالاهای خارجی.

در قرارداد مضاربه نسبت سود براساس نرخ بازدهی در بخش حقیقی اقتصاد و با توافق طرفین تعیین می‌شود و بانک در ازای پرداخت وجوه به عامل در سهمی از سود با او شریک می‌شود. همچنین از لحاظ سیر تاریخی قرارداد در کشورهای غربی، لویز^۱ (۱۹۷۶) اشاره می‌نماید، بنابر توافق تاریخ‌دانان، قرارداد مضاربه در اروپای غربی به‌عنوان «کامندا»^۲ شناخته می‌گردید و مهمترین ابزار سیاست‌گذاری مسبب رشد اقتصادی در اروپا بود (اقبال و میرآخور، ۲۰۱۱ م، ص ۱۱۵). بنابراین، در مضاربه اساس نرخ سود براساس نرخ بازدهی مضاربه در بخش حقیقی اقتصاد تعیین می‌گردد. همچنین در این قرارداد کاری که عامل با سرمایه بایستی انجام دهد، تجارت است. بنابراین، این قرارداد مشارکتی نیز توسط شرع مقدس به‌گونه‌ای تنظیم گردیده که پیوند سرمایه‌های پولی و بخش حقیقی اقتصاد به‌نحو مستحکمی برقرار باشد.

۲-۷. قرارداد مشارکت مدنی

مشارکت مدنی عبارت است از درآمیختن سهم الشرکه نقدی و یا غیرنقدی متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی متعدد، به نحو مشاع، برای انجام کاری معین در زمینه‌ی تولیدی، بازرگانی و خدماتی به‌مدت محدود، به‌منظور انتفاع، طبق قرارداد^۳.

در این روش، براساس عقد شرکت، بانک‌ها بخشی از سرمایه مورد نیاز بنگاه اقتصادی را تأمین کرده، در مالکیت بنگاه و به‌دنبال آن در سود بنگاه شریک می‌شوند (موسویان، ۱۳۸۴، ص ۵۰). مشارکت مدنی بانکداری همان قرارداد شرکت است که در متون فقهی از آن به شرکت‌العنان یا شرکت اموال تعبیر می‌شود. حضرت امام خمینی (ره) در تعریف آن می‌فرماید: شرکت قراردادی است که بین دو نفر یا بیشتر منعقد می‌شود تا با مالی که بین آنان مشترک است، معامله (فعالیت اقتصادی) کنند.

مشارکت مدنی قابلیت ورود به تمام عرصه‌های اقتصادی را دارد و از جامعیت لازم نیز برخوردار است (موسویان و علی، ۱۳۹۱ ص ۱۳۸) و تفاوت آن با مشارکت حقوقی در این است که مشارکت مدنی به بانک‌ها اجازه می‌دهد که خارج از محدوده بورس، از طریق مشارکت با اموال نقدی یا غیرنقدی مبادرت به تأمین مالی کنند (حاجیان، ۱۳۹۰، ص ۵۲). همچنین، در قرارداد شرکت

1. Lopez, 1976

2. Commenda

۳. ماده ۱ و ۲ دستورالعمل اجرائی مشارکت مدنی

می‌توان شرایطی را در ضمن قرارداد مطرح کرد. بنابراین، بانک می‌تواند با آوردن شرطی، حق نظارت بر کیفیت جذب سرمایه و برگشت آن در طول قرارداد را برای بانک محفوظ بدارد. با توجه به مطالب فوق می‌توان اذعان داشت که عقد مشارکت مدنی با ورود به فعالیت‌های تولیدی، بازرگانی و خدماتی دخیل در عرصه حقیقی اقتصاد شده و با تجمیع سرمایه بانک و اشخاص حقیقی و حقوقی منابع لازم جهت ایجاد و توسعه فعالیت‌ها در بخش واقعی اقتصاد را فراهم می‌آورد.

۷-۲-۳. قرارداد مشارکت حقوقی

مشارکت حقوقی در چارچوب تعریف کلی شراکت در قانون عملیات بانکی بدون ربا، عبارت است از: «تأمین قسمتی از سرمایه شرکت‌های سهامی جدید و یا خرید قسمتی از سهام شرکت‌های سهامی موجود». طبق این آئین‌نامه، مؤسسات اعتباری می‌توانند به‌منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش بخش‌های مختلف تولیدی، بازرگانی و خدماتی، قسمتی از سرمایه مورد نیاز شرکت‌های سهامی را که برای امور مذکور تشکیل شده یا می‌شوند، تأمین کند. مؤسسه اعتباری موظف است قبل از مشارکت، وضعیت شرکت‌های سهامی را که سهام آنها موضوع خرید است و یا طرح ارائه‌شده برای مشارکت را از لحاظ اقتصادی، فنی و مالی (در حد نیاز بانک) بررسی و ارزیابی نمایند. مشارکت هر بانک از محل منابع بانک و سپرده‌های سرمایه‌گذاری در صورتی مجاز است که نتیجه بررسی و ارزیابی، حاکی از پیش‌بینی سود برای مشارکت باشد. عقد مشارکت حقوقی، بهترین عقد مشارکتی است که موجب تحقق مشارکت واقعی در بانک‌ها می‌شود (نظریور و کشاورزبان، ۱۳۹۲، ص ۴۹).

مشارکت حقوقی در ارتباط با شرکت‌های سهامی عام است که تفاوت اصلی آنها با شرکت‌های خاص (مشارکت مدنی) در شخصیت حقوقی شرکت‌های سهامی عام، مسئولیت محدود سهام‌داران و ضوابط و مقرراتی است که در اداره شرکت‌های سهامی در نظر گرفته می‌شود. در این نوع مشارکت، اگرچه خرید سرمایه شرکت‌های سهامی موجود به نحوی سازماندهی جریان درآمدی محسوب می‌گردد، ولیکن تأمین سرمایه شرکت‌های سهامی جدید می‌تواند مستقیماً در تغییر جریان تولید در بخش حقیقی اقتصاد تأثیرگذار باشد.

۷-۲-۴. قرارداد مزارعه

در اصطلاح فقیهان، مزارعه عقدی است که به سبب آن یکی از طرفین، زمینی را در اختیار دیگری قرار می‌دهد که آن را زراعت کرده و محصول را با هم تقسیم کنند. مزارعه جزو عقود غیرتملیکی و در عین حال از عقود لازم است و محصولی که از زراعت حاصل می‌شود به مزارع و عامل متعلق است و باید در ابتدای عقد، سهم هر کدام به‌صورت مشاع (کسری از محصول) معین شود. بنابراین

اگر مشخص نشود یا مقرر شود که تمام محصول به یکی از طرفین عقد تعلق یابد، مزارعه باطل است (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۷۶).

بانک‌ها در قرارداد مزارعه همیشه نقش مزارع (صاحب زمین) را خواهند داشت؛ لذا زمانی می‌توانند اقدام به مزارعه کنند که بخواهند زمین یا سایر عوامل تولید یا تلفیقی از آن دو را در اختیار زارع قرار دهند. هرچند قرارداد مزارعه با تقسیم محصول و تحویل سهم بانک خاتمه می‌یابد، اما معمولاً بانک، تسهیلات‌گیرنده را وکیل در فروش سهم بانک از محصول (به خودش یا شخص ثالث) می‌نماید (موسویان، ۱۳۸۴، ص ۱۲). این عقد به‌طور مستقیم و بلاواسطه در ارتباط با بخش حقیقی اقتصاد و موجبات افزایش تولید را فراهم می‌سازد.

۵-۲-۷. قرارداد مساقات

مساقات در اصطلاح عقدی است که به سبب آن یکی از طرفین (مالک) باغی را در اختیار دیگری (باغبان) قرار می‌دهد تا وی روی آن باغ فعالیت باغداری کند و محصول را با هم تقسیم کنند (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۸۴). عقد مساقات جزو عقود لازم است سهم هر یک از طرفین عقد، باید موقع انعقاد قرارداد مساقات به‌صورت کسری از محصول (مشاع) معین شود و مقدار آن تابع توافق طرفین است. بنابراین مجهول بودن سهم طرفین، تعیین سهم‌ها به‌صورت غیرمشاع یا اختصاص همه محصول به یکی از طرفین، همگی باعث بطلان عقد مساقات می‌شود.

در این قرارداد، بانک همیشه نقش صاحب باغ را خواهد داشت. بنابراین، هر یک از بانک‌ها که در حوزه فعالیت خود به نحوی دارای درختان مثمر باشند، به‌طوری که به‌صورت دائم یا موقت مالک عین یا منفعت آنها بوده یا به هر عنوان مجاز به تصرف در آنها باشند، چنانچه شخص یا اشخاص (حقیقی یا حقوقی) حاضر باشند به‌عنوان عامل با بانک قرارداد مساقات منعقد نمایند، اقدام به این کار خواهند نمود تا بدین وسیله عامل اقدام به نگهداری و پرورش درختان و سایر امور باغبانی ملک نماید و در نهایت طبق قرارداد محصول را بین خود تقسیم نمایند. معمولاً بانک تسهیلات‌گیرنده را وکیل در فروش سهم بانک از محصول (به خودش یا شخص ثالث) می‌نماید (موسویان، ۱۳۸۴، ص ۱۲). عقد مساقات نیز همانند مزارعه در تعامل مستقیم با تولید قرار دارد.

اگرچه نظام بانکی در ایران از این دو عقد اخیر تاکنون استفاده‌ای نکرده است ولی به نظر می‌رسد نگاه محدود قانون‌گذار در آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی، علت اصلی این موضوع باشد. بانک‌ها می‌توانند مشابه قراردادهای جعاله و استصناع موازی از این دو عقد استفاده نمایند و یا نظیر اجاره به شرط تملیک از مزارعه و یا مساقات به شرط تملیک حسب مورد استفاده نموده تا انگیزه ورود در این عقود برای افراد در بخش کشاورزی ایجاد شود.

جدول (۴): چگونگی ارتباط عقود مشارکتی با بخش حقیقی اقتصاد

عنوان عقد مشارکتی	شیوه ارتباط با بخش حقیقی اقتصاد
مضاربه	مشارکت در فعالیت تجاری
مشارکت مدنی	مشارکت در فعالیت‌های تولیدی و بازرگانی و خدماتی
مشارکت حقوقی	مشارکت در بخش‌های تولیدی و بازرگانی و خدماتی از طریق تأمین سرمایه یا خرید سرمایه شرکت‌های سهامی
مزارعه	مشارکت در زراعت محصولات کشاورزی
مساقات	مشارکت در فعالیت‌های باغداری

۸. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در بخش‌های مختلف این مقاله با تکیه بر دیدگاهی تحلیلی سعی شده است پیوند ساختار بانکداری بدون ربا ایران به عنوان مصداقی از بانکداری اسلامی که متشکل از عقود شرعی (قرض الحسنه، عقود مبادله‌ای، عقود مشارکتی و سرمایه‌گذاری مستقیم) می‌باشد با بخش حقیقی اقتصاد به‌طور گسترده مورد بحث و بررسی قرار گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که:

۱. تحریم ربا در اسلام نقشی اساسی در شکل‌دهی تفکر اقتصاد تولید محور ایفا نموده است زیرا افراد تنها زمانی می‌توانند از پس‌اندازهای خود انتظار سود حلال داشته باشند که آن را در فعالیتی اقتصادی مرتبط با بخش حقیقی اقتصاد وارد نموده باشند. بنابراین پول به تنهایی و بدون ورود به یک فعالیت مستقیم و یا غیر مستقیم اقتصادی نمی‌تواند پول‌زایی و سودآوری داشته باشد.

۲. در نظام بانکداری با رویکرد اسلامی، در بخش تجهیز منابع برای سپرده‌های قرض الحسنه جاری و پس‌انداز از قرارداد قرض بدون بهره و برای سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار از عقد وکالت استفاده نموده که بر اساس آن بانک وکیل است و جوه حاصل از حساب‌های سرمایه‌گذاری را در قراردادهای سودآور مبادله‌ای و مشارکتی و سرمایه‌گذاری مستقیم استفاده نموده و در تولید یا انجام خدمتی در بخش حقیقی اقتصاد سهیم می‌گردد؛ سپس سود حاصل را پس از کسر حق‌الوکاله به نسبت میزان سرمایه و مدت سرمایه‌گذاری بین سپرده‌گذاران تقسیم نماید.

۳. همچنین، در بانکداری اسلامی در اعطای تسهیلات نیز از ربا اجتناب گردیده و تخصیص منابع بانک، براساس عقود اسلامی مندرج در قانون عملیات بانکی بدون ربا صورت می‌گیرد و تسهیلات

اعطایی به‌طور عمده بر پایه این عقود می‌باشد؛ قرض الحسنه، عقود مبادله‌ای، مشارکتی و سرمایه‌گذاری مستقیم.

۴. قرض الحسنه عموماً به شرکت‌های تولیدی و خدماتی کوچک مقیاس، امور کشاورزی و دامپروری و مرتفع نمودن نیازهای ضروری افراد تخصیص می‌یابد و بدین نحو در تعامل با بخش حقیقی اقتصاد قرار می‌گیرد.

۵. در سرمایه‌گذاری مستقیم، بانک‌ها به تخصیص منابع به‌طور کلی یا جزئی در طرح‌های تولیدی، بازرگانی و خدماتی اقدام می‌نمایند و البته پیش از آن ارزیابی اقتصادی طرح باید مؤید سود دهی آن باشد تا ورود بانک به عرصه حقیقی اقتصاد با اطمینان صورت پذیرد.

۶. عقود مبادله‌ای شامل مباحه و فروش اقساطی، اجاره به‌شرط تملیک، سلف، جعاله، استصناع و خرید دین هستند که عقود تملیکی بوده و نرخ سود از ابتدای قرارداد مشخص می‌باشد و در کنار دیگر عقود مشارکتی به‌عنوان مکمل ابزار مالی برای سلايق و سرمایه‌گذاران مختلف محسوب می‌شوند، بدین معنی که این عقود بالاخص برای کسانی که ریسک‌گریز و به‌دنبال بازدهی ثابت اند، بسیار مفید است. از سوی دیگر نرخ این عقود در حقیقت قیمت و نه نرخ بهره است. وقتی قیمت تعیین شد با تأخیر در بازپرداخت تغییر نمی‌کند. همچنین، در این عقود تأمین مالی به پروژه‌ها، کالاها و خدمات واقعی که در ارتباط با تعاملات بازار حقیقی در اقتصاد می‌باشد مرتبط می‌گردد.

۷. ثابت بودن نرخ سود در بسیاری از عقود مبادله‌ای به هیچ وجه باعث ظالمانه شدن این عقود نمی‌گردد، زیرا ظالمانه بودن ربا، که در آن نرخ سود ثابتی دریافت می‌گردد، صرفاً به سبب ماهیت قراردادی است که تحقق می‌یابد. در معاملات ربوی رابطه‌ای با بخش حقیقی اقتصاد برقرار نمی‌گردد و صرفاً پول با پول مبادله گردیده و در صورت تأخیر در بازپرداخت مبلغ تا نقطه نامشخصی افزایش خواهد یافت، در صورتی که عقود مبادله‌ای در تعامل مستقیم با بخش حقیقی اقتصاد می‌باشند و پس از مشخص شدن نرخ سود به هیچ وجه افزایش نخواهد یافت.

۸. عقود مشارکتی در بردارنده تسهیلات مضاربه، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مزارعه و مساقات می‌باشد. این عقود براساس مشارکت در سود و زیانی است که ناشی از ورود به فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با بخش حقیقی اقتصاد می‌باشد، بنابراین، نظام مشارکتی با مشارکت در ریسک سرمایه‌گذاری سبب تشویق افراد برای ورود به عرصه‌های تولیدی می‌گردد.

۹. در نهایت به نظر می‌رسد این شیوه بانکداری در تمام رویکردهای خود اعم از تخصیص و تجهیز منابع برای برقراری رابطه مستحکم با بخش حقیقی اقتصاد است و به مرور با تفحص بیشتر در منابع فقهی اسلامی و تدوین روش‌ها و ابزارهای نوین و مصوب نمودن دستورالعمل‌های اجرایی آنها می‌توان گامی ارزنده در توسعه اقتصادی و احتراز از ورود و گسترش ربا در جامعه اسلامی برداشت.

منابع

الف) فارسی

۱. برهانی، حمید، (۱۳۸۸)، «تأثیر بحران های مالی بر بانکداری اسلامی»، مجموعه مقالات بیستمین همایش بانکداری اسلامی، مؤسسه عالی بانکداری ایران، تهران.
۲. توکلی، محمد جواد، (۱۳۹۲)، «سازوکار بانکداری اسلامی»، چاپ اول، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم.
۳. حاجیان، محمد رضا، (۱۳۹۰)، «موانع و مشکلات اجرای عقود مشارکتی در نظام بانکی کشور»، چاپ اول، انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی، تهران.
۴. حبیبیان نقیعی، مجید (۱۳۸۱)، «قرض الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی»، فصلنامه نامه مفید، شماره ۳۱.
۵. داوودی، پرویز و محمود عیسوی، (۱۳۸۹)، «بحران اقتصادی و راه حل های اقتصاد اسلامی»، مجله اقتصاد دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی شهید بهشتی، شماره ۱، صص ۱۳۰-۱۰۷.
۶. رضایی، مجید، (۱۳۸۴)، «معاملات بازار بورس فلزات و محصولات کشاورزی در آیینیهی فقه اسلامی»، فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال پنجم، زمستان، صص ۱۳-۳۲.
۷. فراهانی فرد، سعید؛ محمد نقی نظریور و سارا بایی، (۱۳۹۱)، «مقایسه تطبیقی کارآیی بانک های اسلامی و غیر اسلامی (مطالعه موردی بحران ۲۰۰۹-۲۰۰۷)»، فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، تابستان.
۸. فهیم خان، م، (۱۳۸۶)، «بازارهای سلف اسلامی به عنوان ابزاری جهت تجهیز منابع در مسیر توسعه»، ترجمه مصطفی منتظری مقدم، فصلنامه دین و اقتصاد، سال دوم، شماره پنجم و ششم، تابستان و پاییز، صص ۱۱۳-۱۳۹.
۹. موسویان، سیدعباس، (زمستان ۱۳۸۳)، «طرحی برای ساماندهی صندوق های قرض الحسنه»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، شماره ۱۶.
۱۰. _____، (۱۳۸۴)، «ارزیابی قراردادهای و شیوه های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز، صص ۴۵-۶۸.
۱۱. _____، (۱۳۸۶)، «صکوک مزارعه و مساقات: ابزار مالی مناسب برای توسعه بخش کشاورزی ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۶، تابستان، صص ۷۱-۹۵.

۱۲. _____، (۱۳۸۸، الف)، «بانکداری اسلامی؛ ثبات بیشتر و کارایی بالاتر»، بیستمین همایش بانکداری اسلامی.
۱۳. _____، (۱۳۸۸، ب)، «مهندسی مالی عقود در بانکداری اسلامی»، فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره ۳۵، پاییز، صص ۶۳-۹۸.
۱۴. _____، (۱۳۸۹)، «تبدیل دارایی‌های بانکی به اوراق بهادار در بانکداری بدون ربا»، فصلنامه پول و اقتصاد، شماره ۴، تابستان، صص ۷۹-۱۱۳.
۱۵. _____، و احسان بازوکار، (۱۳۹۰)، «امکان سنجی کاربرد مراحجه در بانکداری بدون ربا»، فصلنامه روند پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۵۹.
۱۶. _____، و محمد امیر علی، (۱۳۹۱)، «راهکار اعطای تسهیلات بانک مرکزی به بانک‌های تجاری در بانکداری اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، تابستان، صص ۱۵۲-۱۲۳.
۱۷. نظریور، محمد نقی، (۱۳۹۰)، «استقلال یا عدم استقلال عقد استصناع»، مجله فقه اهل بیت، سال ۱۷، شماره ۶۶-۶۷، تابستان و پاییز، صص ۱۶۷-۱۲۱.
۱۸. _____، (۱۳۸۴)، «اوراق بهادار استصناع (سفارش ساخت) ابزاری برای سیاست پولی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال پنجم، زمستان، صص ۸۱-۱۱۰.
۱۹. _____، فاطمه رضایی و ایوب خزایی، (۱۳۹۰)، «تأثیر بحران اقتصادی جهان بر بانکداری اسلامی»، فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۲، تابستان.
۲۰. _____، و اکبر کشاورزبان پیوستی، (۱۳۹۲)، «الزامات احیای عقد مشارکت حقوقی راهبردی برای تحقق بانکداری PLS در نظام بانکداری بدون ربا»، فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی، سال دوم شماره هفتم، زمستان.
۲۱. هدایتی، سیدعلی اصغر و همکاران، (۱۳۸۱)، مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی، مؤسسه عالی بانکداری.
۲۲. البنك الاسلامی الاردنی للتمویل والاستثمار، نشره اعلامیه رقم ۱۱، البنك الاسلامی الاردنی بوصله الاهتداء للحسنین فی الدنیا و الاخره، البنك الاسلامی الاردنی للتمویل والاستثمار، عمان.
۲۳. حسنین، فیاض عبدالمنعم، (۹۹۶ م)، بیع المراحجه فی المصارف الاسلامیه، المهد العالمی للفکر الاسلامی، القاهره.

ب) انگلیسی

- 1- Beck, Th.; Demirgüç-Kunt, A. & Merrouche, O., (2013), "**Islamic vs. conventional banking: Business model, efficiency and stability**", Journal of Banking & Finance, pp 433-447.
- 2- Chapra, M. Umer, (2009), "**The Global Financial Crisis**", the Ministry of Education, Culture, Sports, Science and Technology, Published in Japan in June.
- 3- Chapra, M. Umer, (1985), "**Towards a Just Monetary System**"; the Islamic Foundation, Leicester.
- 4- Hanif, M., (2011), "**Differences and Similarities in Islamic and Conventional Banking**", International Journal of Business and Social Science, Vol. 2, No. 2, February.
- 5- Institute of Latin American studies, (1986), "**The debt crisis in Latin America**", Stockholm.
- 6- Iqbal, Z. & Mirakhor, M., (2011), "**An Introduction to Islamic Finance**", Published by John Willy & Sons (Asia) Pte. Ltd.
- 7- Mirakhor, A., (2008), "**Lesson of the recent crisis for Islamic finance**", IIUM J. Econ. Manag.
- 8- Rosman, R.; Abd Wahab, N. & Zainol, Z., (2014), "**Efficiency of Islamic banks during the financialcrisis: An analysis of Middle Eastern and Asian countries**", Pacific-Basin Finance Journal 28, pp 76-90.
- 9- Siddiqi, M. N., (1983), "**Issues in Islamic Banking**", the Islamic Foundation, Leicester.

ج) سایت

- 1- <http://www.poolnews.ir/fa/pages/?cid=35290>

